

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۲ جون ۲۰۲۲

## صهیونیسم همدست نازیسم

جنگ در اوکراین و اعلام نظر آقای پوتین مبنی بر این که اهداف ما در این جنگ از جمله نازی زدائی است غرب را در مقابل انتخاب ناخوش آیندی قرار داد. آنها یا باید به تکذیب حضور نازیها در حکومت اوکراین میپرداختند و یا آن که به تکذیب این واقعیت که دیگر اظهر من الشمس است دست میزدند که در اوکراین نازی وجود ندارد. غرب راه دوم را انتخاب کرد و برای این که به مقابله با این تهاجم ایدئولوژیک روسیه بپردازد مدعی شد که آقای زلنسکی که در واقع دلقک دستنشانده بی اراده امریکا در حکومت اوکراین است، خودش یک یهودی است و با این منطق گویا یک یهودی نمی تواند همدست نازیها باشد.

این تبلیغات سیاسی و ایدئولوژیک امریکا هم از نظر تاریخی، هم ایدئولوژیک و هم سیاسی از بیخ و بن بی پایه است و تنها جنبه عوامفریبی دارد.

حزب کار ایران (توفان) این اسناد را در نشریه شماره ۲۶۵ خود منتشر کرد: «نشریه زوددویچه سائونگ در تاریخ ۲۱ فیبروری ۲۰۱۴ در مورد اوکراین مطالب زیر را نوشت که امروز اشاره به آن را مصلحت نمی داند. این نشریه به زعم خودش که مردم اوکراین از ترس نازیها حاضرند پوتین را انتخاب نمایند میگوید رهبر این نازیها در غرب اوکراین ... شخصی به نام «استپان باندرا» (Stepan Bandera) می باشد که دست راستیها در غرب اوکراین وی را به نام قهرمان ملی خود معرفی می کنند. این عده حتی پایتخت خود را که نامش «لویو» (Lwiv) می باشد، با استفاده از ادبیات المان «لمبرگ» (Lemberg) می نامند. «... در دهه سی قرن بیستم پیروان باندرا وزیر داخله پولند را ترور کردند. آنها استادان دانشگاهها و دانشجویان را که موافق نظریات ملی گرایانه وی نبودند ترور می کردند. آنها در دفتر مطبوعات بمب می گذاشتند و در خیابانها به دنبال شکار یهودیان و کمونیستها بودند... در زمانی که ارتش المان (ورماخت) در جون ۱۹۴۱ به شوروی تجاوز کرد باندرا با پرچمهای خوش آمدید از آنها استقبال کرد». نشریه نامبرده ادامه می دهد: «وی در سال ۱۹۴۴... در کنار هیتلر با سلاح المانی به ضد ارتش سرخ جنگید».

امروز پیروان «باندرا» سازمانی به نام «منطقه راست» دارند که خودشان را «ناسیونالیستهای متدین» می نامند. همانها که با هم کوکتل مولوتف درست می کنند و مراسم مشترک مذهبی اجراء می نمایند. «رهبر آنها گفت که پاره ای اعضاء آنها در چچن علیه روسها جنگیده اند». روزنامه فوق می نویسد: «استپان باندرا فقط برای چریکهای شهری با چهره های پوشیده یک نماد قابل سجده نیست، خیابانها را به نام وی نامیده اند و در اوکراین غربی یک دوجین مجسمه برایش ساخته اند که از وی با مشت های گره کرده و یا بدون آن تجلیل می کنند. آقای ویکتور یوشچنکو (رئیس جمهوری

که از آخرین رئیس جمهور اوکراین آقای ویکتور یانوکوویچ در یک انتخابات دموکراتیک شکست خورد - توفان) رئیس جمهور هم عقیده رئیس جمهور کنونی اوکراین (منظور پروشنکو است که بعد از کودتا بر سر کار آمد- توفان) لقب «قهرمان ملی» را به استپان باندرا در سال ۲۰۱۰ اعطاء کرد». متعاقب این حرکت دولت پولند بسیار خشمگین گشت و زوددویچه می‌نویسد: «در آن زمان رئیس جمهور پولند لخ کاشینسکی معترضان اظهار داشت: «بیش از ۱۰۰ هزار پولندی باید می‌مردند تنها به این علت که پولندی بودند» و پارلمان اروپا و مرکز سیمون روزنتال (یک مرکز متعلق به یهودیان برای تعقیب نازی‌ها بعد از جنگ جهانی دوم - توفان) دست به اعتراض برداشتند و ولادیمیر پوتین از مسکو با کمی مسرت از این خسارت اظهار داشت: یوشچنکو «به چهره حامیان غربی خود تف کرد». ما به اسنادی که در رسانه‌های اجتماعی می‌گردد اشاره نمی‌کنیم. تمام رهبران اوکراین سلام‌های هیتلری در همه جا ظاهر می‌شوند و حتی در مجلس المان و کانال‌های تلویزیونی المان اسناد مربوط به ماهیت نژادپرستانه و حکومت نازی‌ها در کیف منتشر شده است. گروه‌های تروریستی و مسلح نازی به نام «آزوف» به صورت گردان‌های نظامی در ارتش اوکراین ادغام شده و در مقام‌های مؤثر قرار گرفته‌اند و با سیاست روس‌زدائی و نسل‌کشی در جنوب و شرق اوکراین به آدم‌کشی مشغول گشتند. این حقایق را دیگر نمی‌شود با انتشار کوهی از جعلیات و اشاعه دروغ کتمان کرد. پس می‌بینیم تاریخ‌نگاری ناتوی تجاوزکار با واقعیاتی که خودشان در هشت سال پیش می‌گفتند و می‌نوشتند در تناقض آشکار است. عاملان جنگ روانی در ناتو به یهودی بودن زلنسکی، دولتمرد سرگردان و بازیگر اوکراین اشاره می‌کنند که باید شاهدهی بر غیرنازی بودن حاکمیت در اوکراین باشد. آقای زلنسکی برای تأکید غیرنازی بودن دولتش به اسرائیل سفر کرده و در مجلس اسرائیل سخنرانی می‌کند که به علت ناشیگری در بیان بشدت مورد حمله نمایندگان صهیونیست قرار می‌گیرد. واقعیت این است که یهودی بودن الزاماً به مفهوم ضدنازی بودن نیست.

سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه در تاریخ ۲۰۲۲/۰۵/۰۲ در مصاحبه‌اش با رسانه‌های ایتالیا، بیان کرد که یهودی بودن رئیس جمهوری اوکراین در تضاد با ادعای روسیه نیست که هدف از حمله خود به اوکراین را «نازی‌زدائی» در این کشور اعلام کرده است. سرگئی لاوروف در ادامه سخن خود افزود: «حتی هیتلر هم خون یهودی در رگ داشت» و «در میان یهودستیزان، یهودی هم وجود دارد».

در زمان جنگ جهانی دوم پیش از آن که اروپا و آمریکا به پیشنهادات شوروی سوسیالیستی مبنی بر همکاری مشترک در مبارزه به ضد المان نازی پاسخ مثبت دهند، با المان هیتلری همکاری مستقیم و روشن داشتند. کنسرن‌های امریکائی ژنرال موتور و فورد و راکفلر یهودی نه تنها به المان به خاطر ترغیبشان برای تجاوز به شوروی کامیون‌های نظامی و تانک صادر می‌کردند، بلکه سوخت هواپیماهای المانی را نیز تأمین می‌نمود. دادگاه‌های امریکا توماس مان نویسنده مترقی المانی را به محاکمه کشیدند که به چه مناسبت قبل از این که آنها یعنی امریکائی‌ها با المان نازی وارد جنگ شوند در انتشارات خودش از مبارزه علیه نازی‌ها و فاشیست‌ها دم زده است و این مغایرت کامل با سیاست روز دولت امریکا داشته است.

بعد از جنگ نیز دولت امریکا در المان غربی بسیاری از نازی‌های شکست خورده را در دستگاه اداری المان نظیر دستگاه قضائی، دستگاه‌های امنیتی، ادارات دولتی، دانشگاه‌ها و... مجدداً به کار گرفت تا به ضد کمونیست‌ها مبارزه کنند و دانشمندان نازی نظیر «ادوارد فون براون» پدر راکتی المان را به امریکا برد، به وی تابعیت امریکائی داد و به تطهیر گذشته نژادپرستانه وی دست زد و آب تطهیر بر سرش ریخت. تمام صهیونیست‌های امریکائی از این سیاست حمایت کردند. تا به امروز نیز شما اظهار نارضائی از اسرائیل صهیونیسم نسبت به این حمایت روشن امریکا از نازی‌ها نمی‌شنوید.

در این جاست که ما به بخش بعدی می‌رسیم و آن این واقعیت است که کارل مارکس یهودی‌تبار و فریدریش انگلس در بیانیه حزب کمونیست بیان کردند که تاریخ همه جوامع انسانی تاریخ مبارزه طبقاتی است و مبارزه طبقاتی اصل و نسب نمی‌شناسد و به دین و اعتقادات ربطی ندارد. کارل مارکس یهودی‌تبار کمونیست بوده و مورد نفرت صهیونیسم و امپریالیسم است. به همین جهت نیز امپریالیسم امریکا چارلی چاپلین یهودی‌تبار، این هنرمند بی‌نظیر و جاویدان تاریخ سینما را بعد از محاکمه از امریکا اخراج کرد و هرگز مورد اعتراض صهیونیست‌ها قرار نگرفت، زیرا صهیونیسم ایدئولوژی سرمایه‌داری و در خدمت منافع امپریالیسم است. برای صهیونیسم دشمنی با سوسیالیسم و دشمنی با کمونیست‌ها در درجه نخست قرار دارد و نه تعلقات دینی. اگر دانشمندان ایرانی با تباریهودی بودند، صهیونیست‌های اسرائیلی از ترور آنها ابائی نداشتند. نام خانواده «روتشیلد» (Rothschild) تاجر بزرگ المانی یهودی‌تبار، و بعداً بریتانیایی را حتماً شنیده‌اید، روتشیلدها نقش مهمی در ساختار دولتی اسرائیل داشتند. «جیمز ا. د. روتشیلد» ساختمان کنست را به دولت اسرائیل اهداء کرد. دادگاه عالی اسرائیل نیز توسط «دوروتی د. روتشیلد» ایجاد شده است. این خانواده سرمایه‌دار به عنوان سرمایه‌دار عمل می‌کند و نه به عنوان یهودی. وجود اسرائیل صهیونیستی به عنوان پایگاه و سنگر امپریالیسم در خاورمیانه به نفع نظام سلطه و استیلای امریکا است. اگر روزی همین اسرائیل سوسیالیستی شود، نخستین کسانی که فرمان قتل عام یهودیان را صادر خواهند کرد همین روتشیلدها خواهند بود. آنها هم‌آهنگ با سیاست بریتانیا در جنگ جهانی دوم که بر کشتار یهودیان چشم بستند، زیر بغل هیتلر را گرفتند و تشویق کردند که به شوروی حمله کند تا هر دو رقبای بریتانیا از این جنگ ضعیف بیرون آمده و سرکردگی بریتانیا در جهان را تضعیف نکنند، آری آنها کاملاً با سیاست بریتانیا موافق بودند و از این سیاست حمایت می‌کردند. همین سیاست طبقاتی را کلیسای مسیحی اعمال می‌کند. آنها از کشتار جنرال پینوچیت در چیلی مسیحی از ته دل حمایت کردند و مسیحی‌تبار بودن مردم بر طبقاتی بودن مبارزه انقلابی آنها نچربید.

در خود اسرائیل نگاه کنیم. اسرائیل کشوری سرمایه‌داری است و در آن توسط نیروی کار ارزش اضافی تولید می‌شود. این ارزش اضافی را طبیعتاً کارگران اسرائیلی و فلسطینی تولید می‌کنند و اگر روزی به اعتصاب دست زده و تقاضای اضافه حقوق نمایند که بیش از انتظار سرمایه‌داران باشد، مسلماً توسط مأموران امنیتی اسرائیل سرکوب می‌گردند. این تصور که چون کارگران اسرائیلی یهودی‌تبار بوده و مأموران نظامی و امنیتی یهودی به آنها کاری ندارند، تصور واهی و ذهنی می‌باشد زیرا در این مبارزه طبقاتی بر همه چیز سایه انداخته و نقش تعیین کننده را بازی می‌کند. بر این اساس است که وجود زلنسکی در دولت اوکراین و نه در حاکمیت این کشور، تنها بیان یک نمایشنامه رذیلانه است. منافع صهیونیسم و یهودی‌تباران در حاکمیت اوکراین ایجاب می‌کند در پی نظم کهن و کنونی جهان باشند. هستی صهیونیسم اسرائیل بعد از به هم خوردن نظم فعلی در خطر بسیار شدید قرار خواهد گرفت. مسأله بود و نبود آنها مطرح است و این است که حمایت زلنسکی‌های یهودی‌تبار از نازیسم در اوکراین که برای حفظ نظم امریکائی و استیلای آنها بر جهان می‌جنگند هم‌آهنگی دارد. از این منظر طبقاتی است که باید همدستی صهیونیسم و نازیسم را دید. همین ماهیت نشان می‌دهد که بی‌جهت نیست که صهیونیست‌های اسرائیلی همان بلائی را به سر مردمان بومی و صاحبان اصلی سرزمین فلسطین می‌آورند که نازی‌ها به سر آنها آوردند. هلوکاست نازیسم با هولوکاست صهیونیسم فرقی ندارند و ماهیتاً برادرند.

نقل از توفان ارگان مرکزی حزب کار ایران شماره ۲۶۸ تیر ماه ۱۴۰۱